

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

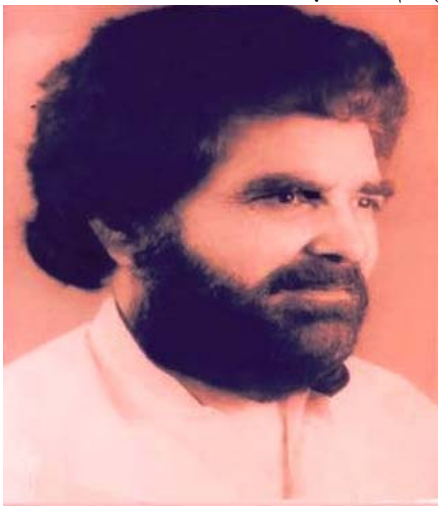
اجتماعی

محمد حیدر اختر
۲۰ جنوری ۲۰۲۰



یاد واره مختصری از شادروان غلام نبی خاطر نامه نگار، شاعر مردمی و متعهد

زاد روز شادروان "غلام نبی خاطر" ۱۲ حوت سال ۱۳۱۴ خورشیدی در ده افغانستان کابل می باشد. پدرش حاجی غلام محمد یوسفزی مشهور به امین نظام (یکی از رتبه های نظامی وقت) نام داشت. پدر خاطربا خانواده از کابل به ولایت بغلان رهسپار شدند، بناءً "خاطر" تحصیلات متوسطه را در مکتب متوسطه فابریکه قند ولایت بغلان به پایان رسانید و بعدا به کابل آمده و شامل مکتب حربی شد. قید و بند عسکری به مزاج خاطر برابر نبود زیرا طبع آزاد منشانه داشت. با تحمل مشکلات زیاد اداری، مکتب حربی را ترک نموده و پیشه خبر نگاری در روزنامه انیس رابریزید و در پهلوی وظیفه خبر نگاری همکاری اش رامنحیت گوینده زبان فارسی دری در رادیو کابل وقت پیش می برد.



در سال هائی که به دهه دموکراسی شهرت دارد، خاطر توانست نخستین نشریه ملی و غیر دولتی را به نام (پیام امروز) با روحیه ملی و عدالت خواهانه در مقابل استبداد و نژاد پرستی انتشار بدهد که با نخستین

شماره اش طرف توجه علاقه مندان آزادیخواه و طرفداران دیموکراسی واقع گردید . زیرا پیام امروز آواز وندای اکثریت خاموش جامعه یعنی قشر غریب و بی نوا و کارگر بی مزد و کم مزد بود . واضح است که چنین نشراتی رژیم حاکم را خوش نیامد . بناءً جریده پیام امروز مصادره و ناشر آن یعنی غلام نبی خاطر راهی زندان گردید . در زندان خاطرتنها نبود زیرا شخصیت های علمی و فرهنگی فروانی عقب میله های زندان قرار داشتند که می توان از آن جمع از انجنیر محمد عثمان نام برد .

بعد از رها شدن از زندان خاطر دوباره خواست صدای مظلومین وطنش را بلند تر و رساتر به گوش دولتمداران برساند و در صدد احیای يك نشریه شد و درخواست جواز روزنامه ای را به نام (فردا) به دولت داد این بار عمال دولت با نام نشریه مخالفت نموده و کلمه فردا را ایرانی نامیدند !

خاطر به عوض اسم فردا کلمه سبا را از زبان پشتو برگزید که باز هم (فردا معنی می دهد) و درخواستی به نام جریده "سبا" به مقامات مطبوعات افغانستان فرستاد که خوشبختانه پذیرفته شد و اجازه نشرات را دریافت نمود . نشرات نشریه "سبا" با کودتای نیمه کمونیستی سردار "محمد داوود" که قانون آزادی مطبوعات را لغو قرارداد مانند سایر نشرات آزاد از نشر بازماند .

طوری که همه می دانند با کودتای نا میمون هفت ثور که ابر تاریک ونحسی بر فراز کشور پرده کشید و رژیم دست نشانه برای بقای خود دست به بگیر و ببند و بکش آغاز نمود، "احمد فهیم خاطر" فرزند بزرگ غلام نبی خاطر نیز دستگیر و راهی زندان شد و خاطر نیز مجبور به مخفی شدن گردید .

در ششم جدی سال ۱۳۵۸ زمانی که قشون سرخ اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی سابق "ببرک کارمل" را سوار بر میله تانک های روسی وارد ارگ نمودند و دور دیگری از تاریخ سیاه کشور آغاز گردید و این بار "خاطر" نظر به سابقه مخالفت سیاسی که با باند دموکراتیک خلق پرچم و بالخصوص با شخص "ببرک کارمل"، شاه شجاع روسی داشت که در سال ۱۳۴۸ خورشیدی خود را در مقابل "کارمل" کاندید

پارلمان نموده بود ، مجبور به ترك خانه و کاشانه اش گردید و عازم پاکستان شد

پرچمی ای پرچمی!!!

پرچمی ای پرچمی
پرچمی ای پرچمی
حالت جسته شد
پرچمی ای پرچمی
عجل رنج و بخت
پرچمی ای پرچمی
دشمن انسان کسوفی

پرچمی ای پرچمی
با تپاهی با فد
پرچمی ای پرچمی
بی حیا و نسیان
پرچمی ای پرچمی
ساخته از دست تو

پرچمی ای پرچمی
کشتی خلق بی گنه
پرچمی ای پرچمی
سرد روی کثیف
پرچمی ای پرچمی
فته و افسونگری

پرچمی ای پرچمی
هستی شال بی جهت
پرچمی ای پرچمی
سازمانها صف نصف
پرچمی ای پرچمی
بر سر هر سرکاده

پرچمی ای پرچمی
بر عهد امریکای تو
پرچمی ای پرچمی
در پی آن قل و خون
پرچمی ای پرچمی
فته آخر زمان

پرچمی ای پرچمی
عنسو تئوری خود
پرچمی ای پرچمی
جست را من می کنی
پرچمی ای پرچمی
قتل انسانیت

پرچمی ای پرچمی
از شرافت بی نصیب
پرچمی ای پرچمی
بی خدای بی کتاب
پرچمی ای پرچمی

گوش خود را کر زده خوش میخوری با بی شمی
کولسرا هستی و طاعون و بلای اعظمی
مملکت از دست تو ویرانه و برباد شد
میبری لخت ز ویرانی و برهم در همی
مابیه اصلی بدبختی و آلام وطن
بسا شمار کاتب همدم زبستی با همی
در لیس هموطن خصم و بلای جان تویی

تسرم دارد از وجودت نام یک آدمی
تو همان هستی که دادی نام و ننگ ما به بساد
خوب تر مندی ما به روی عالمی
بی خدای بی ضمیر و ظالم و حق ناشناس
در پی تخریب و خرابی دشمن مستحکم
بیشتر از یک دهه مردم به خون خود وضو

رخت بر پشت از بسط شان تسلط و خرمی
تو به فرمان مشاوران پشت روسیه
دمه دار کشتن و قتل و قتل پیهمی
پرشد از دست تو زندان ها از افسرد تریف
تا صدی خورد و خمیر از حمله های رستی
با یمن تلوه و آشاز جنگ زرگری

گرده ای برپا گسروه ببرگی و اسلمی
نیست فرق خلق و پرچم در نهاد و ماهیت
هر دو یک حزب است و مند عظمت مردمی
پول و افسر داری و امکان کامل هر به کف
بی خنجر در بین هندو و مسلمان شد غمی
دی سگ کسی جی بی و امروز جاسوس سیاه

شرق و غرب حیران ز تو از بس محیل و پرچمی
ای محیل آخر چه شد هورا گتیدن های تو
عشق دالدر شدی یا کالر ابریشمی
کاشه ایمنی می کنی در خون غربی ها کتون
گه غزل سر میدهی در وصف شان گه بیزمی
نیست تشکیلی که پای تو نیاید در میان

عده نافتا و تومور سردرگمی
جابه جا کردی فساد های دستوری خود
زیر نام تاجسور و سوداگران دایمی
گاه طرح جرگه و شورا و مجلس می کنی
گاه در تجمو ویز فدائی تو داری محکم
دشمن ملی گراها دشمن هر شخصیت

خصم نامزد شهیدان افید و عالمی
می دهی دشنام پرچم را به منظور فریب
در پی اغوای الکسار شریف سرورمی
فته هایت بی شمار و حیل هایت بی حساب
"خامس" آواره کی دارد دست بی شمی

فضای سیاسی در پاکستان چنان بود که جای پائی برای شخصیت های ملی و وطن دوست خیلی تنگ می نمود و دستگاه استخبارات پاکستان (ای، اس، ای) مخالفت شدید با روشنفکران افغانستان داشت و نمی خواست که روشنفکران با تنظیم های جهادی کار نمایند. ازین رو خاطر عازم ایران گردید و با جناب "بنی صدر" ملاقات نمود و بار دیگر دریافت که همسایه های ظالم تنها برای آنانی کمک می نمایند که برای منافع آن ها کار کنند و "خاطر" نا امید از همسایه ها راهی هند سرزمین دیموکراسی شد.

"خاطر" در سال های ۱۳۵۹ وارد هند شد و کوشش نمود تا زمینه هائی برای کار سیاسی بجوید که بدبختانه حکومت کانگرس هند به رهبری خانم "اندیرا گاندهی" با دولت دست نشاندۀ روس در کابل و حکومت اتحاد جماهیر شوروی سابق تعلقات نیک داشتند با وصف آن هم چون يك حکومت دیموکراتیک و جامعه آزاد برای بیان عقائد بود بعضی حرکات سیاسی چون تظاهرات نشر جراید و کتاب امکان پذیر بود.

اقامت در هند برای افغان ها داشتن ویزای قانونی از طرف دولت هند ضرورت مبرم بود و هند برای افغان ها بیشتر از سه ماه ویزه نمی داد و هر سه ماه بعد باید ویزه تمدید می گردید.

نظر به تقاضای سفارت افغانستان در دهلی جدید مسئولین دولت هند از دادن ویزا و تمدید آن به "خاطر" ابا و ورزیدند. در سال ۱۳۶۰ خاطر با چند تن از افغان هائی که هند را برای اقامت و کارهای سیاسی به ضد دولت کابل و روس انتخاب کرده بودند با دولت هند به مشکل مواجه شدند و مجبوراً به دفتر ملل متحد در هند پناه بردند. که در نتیجه ایشان را به حیث مهاجر افغان در هند پذیرفتند و دولت هند نیز نتوانست خلاف قانون اساسی اش عمل کند و ایشان را از هند بیرون براند.

کارنامه های سیاسی و فرهنگی خاطر در هند:

به راه انداختن تظاهرات ضد اشغالگری روس در افغانستان ایجاد اتحادیه ها و انجمن های افغانی و به راه انداختن تظاهرات، نشر نشریه ها و پوستر و کتاب از جمله کار های سیاسی و فرهنگی و همچنان راهجویی برای تعلیم و تربیت جوانان و اطفال افغان های مهاجر شده در هند.

راه جوئی و زمینه سازی جایگزین نمودن مهاجران به کشور های امریکا، کانادا، استرالیا و جرمنی توسط انجمن و ترست زنان مهاجر به سرپرستی خانم جناب "خاطر" مرحومه بانو "رحیمه خاطر".

از جمله کارهای فرهنگی "خاطر" می توان از نوشتن و نشر کتاب تاریخ سال های غم انگیز افغانستان نام برد همچنان مجموعه شعری از اشعار مقاومت که به همکاری انجمن زنان مهاجر افغان در هند به چاپ رسید و تا امروز مورد تمجید هر افغان با وجدان و وطنپرست می باشد.

"خاطر" هم زمان با کارهای فرهنگی خودش همکار قلمی دایم جریده صدای زن در هند بود که توسط انجمن زنان مهاجر در دهلی جدید به نشر می رسید و خانم "رحیمه خاطر" مدیر مسؤول آن جریده بودند.

"خاطر" در دوران اقامتش در هند به جرم فعالیت های ضد روسی و رژیم دست نشاندۀ اش در کابل بیشتر از ۱۷ بار راهی زندان شده بیشتر از ۸۰ بار در خانه به امر دولت و پولیس هند در خانه نظر بند بوده است.

بعد از هشت و نیم سال اقامت در هند خاطر نظر به فشار دولت هند و دفتر ملل متحد در دهلی جدید مجبور به ترك کشور هند می گردد این بار از جبر روزگار بدان سوی اقیانوس اطلس و دورتر از کشور آبائی اش در امریکای شمالی در ملك کانادا هجرت می نماید با چشمان نمناك و دل پُر زحسرت و درد مصراع های شعرش را زمزمه کنان وارد شهر تورنتوی کانادا می گرد

آن روز میرسد که کنم سرمه چشم خویش از خاک راهی کوچه و پس کوچه های تو

کابل چنان گریه کند دل برای تو که آخر بمیرد از غم تو در قفای تو

کار های فرهنگی خاطر در کانادا از همان ماه های اول که وارد تورنتو شد آغاز گردید. برای مدتی نشریه ای را زیر نام "سبا در تبعید" نشر می کرد که در آن وقت کار ساده نبود.داشتن امکانات طباعتی و حروف فارسی برای ناشران نویسندگان و دست اندرکاران فرهنگی نهایت دشوار می نمود

با وجود آن همه مشکلات طباعتی نشریه "سبا در تبعید" توانست پیامش را با استفاده از يك پایه ماشین تایپ و فوتوکپی به هموطنان مقیم تورنتو برساند. بعد از مدتی و بلد شدن در محیط کانادا نشریه "سبا در تبعید" توانست به شکل مجله ماهوار از طبع برآید. در ماه اپریل ۱۹۹۱ میلادی خاطر توانست اولین برنامه رادیویی اش از شهر اوکیوئل انتاریو به گوش هموطنان باشنده ایلات انتاریو برساند پروگرام رادیویی آواز سبای افغانستان هفته وار نشر می گردید و تا سال های ۱۹۹۶ میلادی فعال بود.

در دوران اقامت در شهر تورنتوی کانادا خاطر همکار رادیویی اتحادیه افغان های مقیم انتاریو بود برنامه رادیویی هفته وار اتحادیه را با چند تن از هموطنان عزیز دیگر چون جناب داکتر صاحب "دانشور" پیش می بردند با حمله ۱۱ سپتمبر بر امریکا و بعداً حمله امریکا بر طالبان و تغییر نظام طالبانی در افغانستان اوضاع کم کم بهتر شد و حکومت انتقالی جناب کرزی روی کار آمد. این جاست که خاطر دوباره به زادگاهش بر می گشت و به یکی از ارمان های دیرینه اش که دیدار وطن آبائی و زادگاهش است برسد.

در آن جا نیز خاموش نمی ماند و با همه دست اندرکاران فرهنگی و سیاسیون در کابل در تماس بوده و زمینه های همکاری را برای بازسازی افغانستان جست و جو می نماید که در نتیجه همکار چند پروژه خیریه و همکار وزارت اطلاعات می گردد.

خاطر در انتخابات دور اول ریاست جمهوری جناب کرزی را در کامپاین انتخاباتی ولایت کابل یاری می نماید . البته جمله زیبایی را با کمال صداقت با مردم در میان می گذارد و می گوید:
«در این انتخابات خوب اصلاً وجود ندارد تنها بین بد و بدتر می توانیم یکی را انتخاب کنیم و در جمع کاندیدان کرزی انسان بد است!»

خاطر تا آخرین لحظه ای که مرض یادفرااموشی و خونریزی مغزی عاید حالش گردید و در نتیجه همه چیز فراموشش شد و هیچ چیز به یادش نماند، دست از سعی و تلاش برای وطن و مردم برنداشت.

بالاخره این شخصیت نستوه، آزاد و روشنگر به روز پانزدهم جنوری سال ۲۰۱۹ میلادی داعی اجل را لبیک گفت . خداوند پیامرزدش روانش شاد باد .

یادداشت

- در این نوشته از یاد داشت های جناب محترم جاوید جان خاطر پسر شاد روان غلام نبی خاطر نیز استفاده شده است .

_ نمونه کلام شاد روان خاطر شعر معروفش تحت عنوان پرچمی ای پرچمی انتخاب شده است .